



حلاج زاده، هدی؛ شاد منفعت، معصومه و کبیری، سعید (۱۳۹۷). تأثیر سرمایه های اجتماعی و فرهنگی بر آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مسئله ی کودک آزاری. جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۲(۵)، ۱۳۸-۱۱۵.

تأثیر سرمایه های اجتماعی و فرهنگی بر آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مسئله ی کودک آزاری*

هدی حلاج زاده^۱، معصومه شاد منفعت^۲ و سعید کبیری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۵

چکیده

شناخت عوامل زمینه ساز مسئله ی کودک آزاری در جامعه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. زیرا آسیب های ناشی از آن در سطح فردی و اجتماعی غیر قابل اغماض است. پژوهش حاضر با هدف شناخت آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری، با به کارگیری دیدگاه بوردیو انجام شده است. در این راستا نقش عواملی چون سرمایه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بر میزان آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری در نظر گرفته شده است. روش پژوهش میدانی (پیمایش) بوده و روی نمونه ای به حجم ۳۰۱ نفر از والدین دارای فرزند ۱۸-۰ ساله ی شهر رشت انجام شده است و از طریق آزمون های آماری مرتبطی چون همبستگی و رگرسیون چند گانه فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که انواع مختلف سرمایه های در اختیار والدین پیش بین مناسبی برای میزان آگاهی و عملکرد آنها نسبت به انواع مختلف کودک آزاری می باشند. به عبارتی دیگر، برخورداری افراد از سرمایه های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، آگاهی بالاتر و عملکرد مناسب تر آنها نسبت به انواع مختلف کودک آزاری را در پی خواهد داشت.

کلیدواژه ها: کودک آزاری؛ آگاهی والدین؛ عملکرد والدین؛ سرمایه ی اجتماعی؛ سرمایه ی فرهنگی و سرمایه ی اقتصادی.

۱ - استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)،

hhz_72@yahoo.com

۲ - دانش آموخته ی کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه گیلان،

shamila.shadmanfaat@gmail.com

۳ - دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه مازندران، s.kabiri89@gmail.com

* برگرفته از طرح پژوهشی سازمان بهزیستی استان گیلان

۱- مقدمه و بیان مسئله

کودکان بخش مهمی از هر جامعه هستند و در این راستا نحوه‌ی پرورش و رشد فرزندان در محیط خانواده و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است (نورمی^۱ و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۵) و بسیاری از جوامع در ارتباط با نحوه‌ی تربیت و ارتباط با فرزندان حساسیت بالایی را از خود نشان می‌دهند (زهیر^۲، ۲۰۱۰).

والدین باید بتوانند نیازهای فزاینده‌ی کودک را دریافته و به آن پاسخ مناسب بدهند. میزان وابستگی و علاقه دو طرفه بین والدین و کودک، توانایی او را برای یادگیری و دانستن مطالب جدید افزایش می‌دهد. در حالی که بدرفتاری با کودک و عدم توجه به نیازهای او می‌تواند باعث ایجاد اختلالات روانی مانند پرخاشگری در بزرگسالی شود (حبیبی و گوهری مقدم، ۱۳۹۶: ۹۶).

از آنجایی که کودک آزاری از جرائم عمومی است و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد و شاید این مهم‌ترین بخش از قوانین حمایت از کودکان باشد اما جریمه‌هایی که برای کودک آزاری در قانون پیش بینی شده، به شدت پایین هستند و به نظر نمی‌رسد قدرت بازدارندگی داشته باشند. آزار کودکان تنها به برخی مناطق اختصاص ندارد بلکه پدیده‌ای است که در کلیه مناطق و با هر شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امکان بروز دارد و از شیوع بالای نیز برخوردار است (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۰).

کودکانی که با خشونت مواجه می‌شوند در معرض خطر رفتارهای غیر انطباقی هیجانی، اجتماعی، شناختی و جسمی قرار می‌گیرند (جلن^۳، ۲۰۰۱: ۱۸۰). رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگری‌های جسمی به همراه ترس و خشم از آثار دائمی کودک آزاری است. از رفتارهای خودتخریبی و بزهکاری نیز در بسیاری از تحقیقات به‌عنوان پیامدهای آزار و یا غفلت از کودکان یاد شده است (بارتولومو^۴، ۲۰۰۰).

در تعریف پدیده‌ی کودک آزاری می‌توان گفت که هرگونه آسیب جسمانی یا روانی، سوء استفاده جنسی یا بهره‌کشی و عدم رسیدگی به نیازهای اساسی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال توسط دیگر افراد یا اعضای خانواده که به‌صورت تصادفی نباشد، را شامل می‌شود (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۰).

1- Noremy

2- Zahir

3- Jellen

4- Bartholomew

کودک آزاری انواع مختلفی دارد: کودک آزاری جسمی، صورت آشکار بدرفتاری با کودک است و عمدتاً به جراحات و صدمات قابل مشاهده منجر می‌شود. در مقابل، آزار جنسی، امری پنهانی و غیرظاهری است و عموماً با چشم غیرمسلح قابل مشاهده نیست و یا به تعبیر دیگر، هر نوع تنبیه بدنی که غیر انسانی بوده و منجر به آسیب دیدگی کودک می‌شود اطلاق می‌شود (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲)، کودک آزاری عاطفی به هرگونه رفتار نامناسبی که بر عملکرد رفتاری، شناختی، عاطفی و جسمی کودک تأثیر منفی داشته باشد، تعبیر می‌شود و آزارهای کلامی و غیرکلامی، سرزنش یا تحقیر، ناسزا گفتن و مسخره کردن را شامل می‌شود، همچنین کودک آزاری ناشی از غفلت عبارت است از: عدم مراقبت و علاقه‌مندی به کودک، شامل محرومیت از نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک و محرومیت از اقداماتی که برای رشد طبیعی و نمو کودک نیاز است.

آخرین گزارشی که به ارایه نرخ خشونت علیه کودکان در کشورهای جهان پرداخته، مربوط به سال ۲۰۱۵ است که این لیست متشکل از ۱۱ کشور با بیشترین میزان سوءاستفاده از کودکان است. در این لیست علاوه بر خشونت جنسی به انواع دیگر کودک‌آزاری توجه شده است. کار کودک، تروریسم جهانی، فقر و آسیب‌هایی همانند آن نشان می‌دهد کشورهای جهان باوجود پیشرفت‌های روزافزون به‌طرز چشمگیری با آسیب‌های جدی روبه‌رو هستند. در مورد سوءاستفاده از کودک، نکته قابل توجه این است که بخش بزرگی از این تجاوزها در کشورهای توسعه‌یافته به وقوع می‌پیوندد، برای مثال در ایالات متحده سالانه بیش از ۲۰هزار مورد سوءاستفاده و آزار کودکان سالانه گزارش می‌شود که نشان‌دهنده اپیدمی آزار کودکان در این کشور است. نکته جالب توجه در لیست ۱۱ کشور با بیشترین آزار کودکان این است که تعدادی از کشورهایی که در این لیست قرار دارند، همزمان در لیست ۲۰ کشور با بهترین کیفیت برای زندگی نیز قرار گرفته‌اند. همچنین کشورهایی چون استرالیا، افغانستان، انگلستان، روسیه، زیمبابوه، بوتسوانا، هند، بنگلادش، آفریقای جنوبی و پاکستان در این لیست قرار دارند.

رئیس اورژانس اجتماعی اعلام کرد: «آمار کودک‌آزاری در سال ۹۵، ۲هزار و ۷۶۵ مورد به مراکز مداخله در بحران، ۱۰هزار و ۳۸۵ مورد به خدمات سیار، همچنین ۱۳هزار و ۷۶۶ مورد از طریق خط تلفن ۱۲۳ بوده است. همچنین استان فارس، کرمانشاه، خراسان‌رضوی و همدان بیشترین کودک‌آزاری را گزارش داده‌اند». اما اورژانس اجتماعی بهزیستی کشور از افزایش آمار کودک آزاری در ۵ ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۶ نسبت به زمان مشابه در سال گذشته خبر داده است، همچنین تعداد تلفن‌های ثبت شده از طریق (خط ۱۲۳) ۸ هزار ۴۷۸ تماس، خدمات

سایر ۵ هزار ۶۷۲ مراجعه و مرکز مداخله در بحران یک هزار و ۱۹۳ بوده است (پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران - تهران، کد خبر: ۷۱۵۸۴۱).

با اینکه استان گیلان در رتبه‌های ابتدایی کودک آزاری قرار ندارد اما گزارشات و موارد مشاهده شده‌ی اخیر، نشان می‌دهد که مسئله‌ی کودک آزاری در این استان نیز جدی است و نیازمند مطالعه و پژوهش است. در این خصوص علاوه بر مورد کودک ۳ ساله‌ای که توسط ناپدری مورد آزار جسمی، عاطفی و جنسی قرار گرفته و در نهایت منجر به فوت کودک شده بود، موارد بیشتری به اورژانس اجتماعی بهزیستی گزارش شده است که بازتاب رسانه‌ای نداشته‌اند. در این خصوص معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی گیلان نیز چنین گزارش می‌کند که: در سال گذشته (۱۳۹۵) تعداد ۶۰۵ مورد کودک آزاری که منجر به مداخله مرکز اورژانس بهزیستی گیلان شده در استان رخ داده است. همچنین، وی تصریح کرده است که: بیشتر کودک آزاری‌ها از نوع مسامحه و غفلت می‌باشد زیرا خانواده‌ها و سرپرستان خانوار حمایت و نگهداری لازم از کودکان خود را ندارند. مطابق گزارش‌های منتشر شده، بیشترین کودک آزاری در سنین زیر چهار سال رخ داده و بعد از آن در سن ۱۰ تا ۱۴ سال و سپس پنج تا ۹ سال است. همچنین مطابق آمارهای بهزیستی استان در سال ۹۵، تعداد وقوع کودک آزاری‌ها در گروه سنی زیر چهار سال و ۱۰ تا ۱۴ سال بیشتر و البته این موضوع در میان پسران بیشتر گزارش شده است. همین‌طور این مقام مسوول بیان کرده است که: بیشترین واقعه کودک آزاری از طرف افراد بزرگسال درون شبکه خویشاوندی و یا همسایه‌ها رخ داده است، به‌طور معمول در خانواده‌هایی که از انسجام لازم برخوردار نبوده و نظارت لازم را بر کودکان خود نداشته‌اند و یا در خانواده‌هایی که از روابط باز و بدون نظارت برخوردار هستند و یا اعتماد بیش از حد نسبت به کودکان و یا خویشاوندان خود داشته‌اند بیشتر اتفاق می‌افتد (پایگاه خبرگزاری دیار میرزا، کد خبر: ۳۴۹۳۴۷). قطعاً این آمارها بیان‌کننده بخشی از واقعیت این مسئله است زیرا در موارد بسیاری کودک آزاری‌ها گزارش نمی‌شود که البته شناخت علت‌های آن نیز نیازمند مطالعات بیشتر است.

با توجه به اهمیت نقش والدین در زندگی کودکان، غفلت و بی‌توجهی آنها سبب بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر زندگی آینده‌ی آنها می‌شود و از آنجایی که آموزش در این زمینه و بالابردن آگاهی والدین باعث کاهش این مسئله و متعاقب آن کاهش اثرات منفی کودک آزاری خواهد شد، در نتیجه انجام پژوهش‌هایی در این حوزه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

پژوهش حاضر تلاشی است در جهت بررسی میزان آگاهی و نحوه‌ی عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری. این پژوهش با استفاده از رویکرد بوردیو در پی پاسخ‌گویی به این

پرسش اساسی است که چه رابطه‌ای بین انواع مختلف سرمایه (فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) در اختیار والدین و میزان آگاهی و نحوه‌ی عملکرد آنها نسبت به مصادیق کودک آزاری وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- تحقیقات انجام شده در داخل کشور

درزمینه‌ی کودک آزاری پژوهش‌های چندی در داخل کشور انجام شده است: ملکشاهی و فرهادی (۱۳۹۰) در پژوهش خود که روی دانش آموزان مقطع متوسطه انجام شده بود، به این نتیجه رسیدند که ۵/۴٪ نمونه‌ها به صورت همیشه تحت آزار جسمی و بیشترین آزار جسمانی سیلی خوردن بود. ۷/۳ درصد تحت آزار عاطفی به طور همیشگی بودند. ۵/۵٪ بی‌توجهی را به صورت همیشگی تجربه کرده بودند. آزمون آمار ارتباط معناداری بین آزارها با تحصیلات، شغل، اعتیاد و طلاق والدین نشان داد. نتایج پژوهش علی‌رودی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده که میزان نمره افراد در سازه‌ی انزوای اجتماعی، ارتباطات مختل، موقعیت اقتصادی و جمعیت خانواده، سهم قابل توجهی از واریانس کودک آزاری را در خانواده پیش‌بینی می‌کند. در این تحقیق متغیر ارتباطات مختل در خانواده، دارای بیشترین ضریب تأثیر بوده است.

ترکاشوند و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود از شیوع بالای کودک آزاری به‌ویژه آزار عاطفی در دانش آموزان مقطع راهنمایی خبر دادند. همچنین یوسفوند (۱۳۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بین کودک آزاری و تنش والدین رابطه وجود دارد و هماهنگ با بالا رفتن تنش، کودک آزاری نیز افزایش می‌یابد همچنین بین همدلی در خانواده و کودک آزاری نیز رابطه معکوس وجود دارد. نتایج پژوهش محمدخانی (۱۳۸۰) نیز نشان داد که به طور کلی والدین کودکان آزار دیده در مقایسه با گروه آزار ندیده از نظر کیفیت زندگی، در سطح پایین‌تری قرار دارند. علینقیان نیز (۱۳۸۰) در پژوهش خود به این نتایج رسیده است که بین کودک آزاری با سطح سواد، وضعیت فرهنگی، وضعیت اقتصادی و جنسیت رابطه‌ی نزدیکی وجود دارد. همچنین والدینی که از تحصیلات پایینی برخوردار هستند و مشکلات اقتصادی فراوان دارند، معمولاً در تربیت کودکان دچار مشکل می‌شوند.

نتایج پژوهشی که چلبی (۱۳۸۳) انجام داده است به این شرح است که در میزان خشونت مادران، به طور متوسط، اندکی بیش از خشونت است که پدران علیه کودکان اعمال می‌کنند.

در این میان سهم خشونت عاطفی و بی‌توجهی بیش‌تر از سهم خشونت جسمانی است. نتایج نشان می‌دهد که خشونت علیه کودکان در خانواده‌های تهرانی بیش از آن که ناشی از متغیرهای پیشینه‌ای و زمینه‌ای مثل درآمد، تحصیلات، طبقه اجتماعی و استرس باشد، ناشی از عوامل رابطه‌ای در خانواده است. در سطح خانواده تضاد عامل بروز خشونت علیه کودکان است و در مقابل نظم مانع اصلی بروز خشونت علیه کودکان است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که وجود همدلی، همگامی، همفکری و هم‌بختی در سطح خانواده مانع بروز بزهکاری نوجوانان در این سطح است.

از بررسی کلی پژوهش‌های داخلی، می‌توان به این نتیجه رسید که بین آزار کودکان و ویژگی‌ها و موقعیت خانواده، ارتباطات معناداری وجود دارد. آنچه که به شکل بارزتری خود را نشان می‌دهد این است که بین خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی، سطح فرهنگ و تحصیلات والدین در سطح پایین‌تری قرار دارند، کودک آزاری شیوع بیشتری دارد. همچنین در بخش دیگری از مطالعات بین کیفیت روابط اعضای خانواده که بر پایه همدلی، تعامل مناسب و همفکری اعضای خانواده است و بروز خشونت و آزار کودکان نیز رابطه وجود دارد. در واقع در خانواده‌هایی که کیفیت روابط اعضا در سطح پایینی قرار دارد احتمال بروز آزار کودکان بیشتر است. همچنین مطالعات نشان داده که آزار عاطفی در بین کودکان شیوع بیشتری دارد که می‌تواند بیانگر این مسئله باشد که مرزهای مشخص و قابل تشخیصی بین تربیت والدین و کودک آزاری از جنس عاطفی برای والدین مفهوم و مشخص نیست. همچنین مطالعات نشان داده که خود اظهاری در مورد کودک آزاری در بین نوجوانان بیشتر از کودکان است.

۲-۲- تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

اسپاتز^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای نسلی در بین کودکان ۰ الی ۱۱ ساله، دو گروه کودکان با سابقه‌ی خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی و کودکان بدون تجربه‌ی کودک آزاری را مورد مقایسه قرار دادند. در این پژوهش انواع کودک آزاری (روانی، جسمی، جنسی و آسیب بدنی) مورد بررسی قرار گرفته است. بیش از ۸۰ درصد از کودکان در هر دو گروه مورد بررسی گزارش دادند که در سال اخیر مورد آزار قرار گرفته‌اند (غالباً کودک آزاری روانی) و چیزی در حدود ۷۵ درصد از کودکان در هر دو گروه مورد بررسی به قابلیت والدین شان در ۴

شکل مورد بررسی کودک آزاری اشاره نمودند. در همین ارتباط دختران در مقایسه با پسران بیشتر تحت آسیب بدنی قرار گرفته‌اند.

مارتینز^۱ و همکاران (۲۰۱۴) از پژوهش خود چنین نتیجه گرفتند که، پدران در مقایسه با مادران، پتانسیل کمتری برای کودک آزاری در ارتباط با فرزندان شان دارند، چراکه آنها در دوران کودکی خود، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روانی (نادیده گرفته شدن) کمتر مورد آزار قرار گرفته‌اند. در همین راستا، مدل پیش بین پژوهش نشان می‌دهد که برای مادران و پدران متغیرهای اقتصادی-اجتماعی (درآمد خانوار، تعداد فرزندان در خانه، موقعیت شغلی و وضعیت زناشویی) پیش‌بین‌های مناسبی برای کودک آزاری فرزندان هستند. همچنین رایت^۲ و فیتزپاتریک^۳ (۲۰۰۶) از مطالعه‌ی خود چنین نتیجه گرفتند که سرمایه اجتماعی به مثابه منبع مهمی است که پیامدهای خشونت و مخصوصاً روابط والدین- فرزندان و دلبستگی به مدرسه را در بین نوجوانان تعدیل می‌کند. در ارتباط با عوامل تأثیرگذار در بروز کودک آزاری بلسکی^۴ و وندرا^۵ (۱۹۸۹) به این نتیجه رسیدند که عوامل دموگرافیک، روابط خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی والدین و فرزندان نقش مهمی در ظهور کودک آزاری دارند. به‌طور دقیق‌تر، گزارش‌های ارائه شده از سوی مراکز حمایت از حقوق کودکان و همچنین پیمایش‌های صورت گرفته در این حوزه نشان می‌دهند که جایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین والدین تأثیر معناداری در بروز کودک آزاری دارد.

اوکک^۶ و دیگران (۲۰۰۶) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که اغلب کسانی که کودکانشان را آزار می‌دهند یا از آنها غفلت می‌ورزند، به لحاظ اجتماعی منزوی هستند. آنها پیوندهای ضعیفی با خانواده، خویشاوندان و همسایه‌ها، شبکه اجتماعی کوچک داشته و دارای فراوانی نسبتاً بالایی از تعاملات منفی با عوامل حمایتی هستند. همچنین مشارکت پایینی نیز در نهادهای اجتماعی دارند. فقدان حمایت‌های اجتماعی در داخل جامعه بر انزوا و استرس که اغلب با والدین آزارگر و غفلت‌کننده ارتباط دارد، تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، شبکه حمایت اجتماعی مثبت می‌تواند در سلامت روانی و جسمی فرد تأثیرگذار بوده و به فرد کمک کند تا از پس فشارهای روانی برآید و رفتارهای انطباقی مثبتی را توسعه بخشد (استاسی^۷ و بورخارت^۱،

1- Romero-Martínez

2- Wright

3- Fitzpatrick

4- Belsky

5- Vondra

6- Okeke

7- Stacey

۲۰۰۵: ۱۴۴۰).

گابریانو^۲ (۱۹۷۷-۱۹۸۲) به‌طور خاص در بررسی و کاوش این‌گونه روابط بسیار کوشیده است. وی در منطق روستایی و مناطق شهری به این نتیجه دست یافت که کودک آزاری گزارش شده رسمی در محله‌هایی که شاخص‌های تنش اجتماعی، تحرک جمعیتی و میزان فقر بالاست، بیشتر است. عامل اصلی به نظر می‌رسد دوری از سیستم‌های حمایتی ممکن باشد. تنبیه خشونت بار فیزیکی و کودک آزاری با انزوای اجتماعی خانواده هم‌چون کاهش تماس با خویشاوندان و کاهش درگیری در شبکه‌های حمایتی ارتباط دارد (چوی^۳، ۲۰۰۳).

از بررسی نتایج پژوهش‌های انجام شده در خارج به این جمع‌بندی می‌توان رسید که، کودک آزاری روانی شیوع بیشتری داشته و مادران بیش از پدران فرزندان خود را مورد آزار قرار می‌دهند. همچنین عوامل دموگرافیک، روابط خانوادگی و موقعیت اقتصادی-اجتماعی والدین تأثیر معناداری بر میزان کودک آزاری دارد. لازم به ذکر است که عواملی چون تنش‌های اجتماعی و نبود حمایت‌های اجتماعی و انزوای اجتماعی والدین از عوامل تأثیر گذار بر کودک آزاری بوده و البته سرمایه‌ی اجتماعی نیز به‌عنوان یک منبع برای بهبود کیفیت روابط والدین-فرزندان مورد توجه بوده است. نتایج مطالعات در خارج و داخل شباهت‌های بسیاری به یکدیگر دارند.

۲-۳- چهارچوب نظری

سرمایه یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر است (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸).

سرمایه اجتماعی به یکی از مفاهیم کلیدی و اساسی در علوم اجتماعی تبدیل شده است که حجم روز افزون تألیفات نظری و پژوهش‌های تجربی به‌ویژه در کشورهای توسعه یافته خود گواه دقیقی برای اثبات این مدعا به‌شمار می‌رود، نظر به محتوا، ماهیت، کاربرد و پیامدهای مهم سرمایه اجتماعی این مفهوم در جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم سیاسی، جرم‌شناسی و نیز حوزه علوم پزشکی و بهداشت به‌منظور توصیف و تبیین موضوعاتی نظیر جرم-طلاق، روابط خانوادگی، خشونت، سلامتی و بهداشت، تأمین اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، رشد و توسعه اقتصادی، مشارکت سیاسی به‌طور روز افزونی به‌کاربرده می‌شود (غلامی و قربان‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

1- Burkhardt
2- Garbarino
3- Choi

سرمایه اجتماعی، موضوعی بین رشته‌ای است که تسهیل‌کننده ارتباطات انسانی است. سرمایه اجتماعی از گذشته در روابط اجتماعی و کنش‌های مردم وجود داشته است ولی تنها تفاوتش با مفهوم امروز آن، داشتن یک رویکرد و قالب علمی است. سرمایه اجتماعی در ارتباطات انسان‌ها به مثابه چسب اجتماعی است که حلقه‌ی وصل این‌گونه ارتباطات را محکم‌تر نگه می‌دارد (قیصریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

سرمایه در معنای عام آن، تلاش برای تسخیر گذشته در زمان حال است. به تعبیر بوردیو اگر در صدد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده‌ی سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را به جهان اجتماعی معرفی کنیم (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴). بوردیو سه نوع سرمایه را شناسایی کرده است: بوردیو^۱ (۱۹۸۶) معتقد است که سرمایه می‌تواند دارای اشکال مختلفی باشد. این اشکال سرمایه عبارتند از فرهنگی (شناخت، مهارت‌ها و کیفیت‌های تحصیلی) شکل اقتصادی (سرمایه پول و مالکیت) و اجتماعی (ارتباطات و عضویت گروهی).

سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند فرد را وارد روابطی سازد که حاصل آن کسب میزانی از سود به شکل پول یا انواع مالکیت باشد. به همان ترتیب تحصیلات به سرمایه‌ی اقتصادی قابل تبدیل است و گاه ممکن است به سرمایه‌ی اجتماعی نیز تبدیل گردد. به این ترتیب که تحصیلات و داشتن مدارک عالی مشاغل پر درآمدی را در اختیار فرد قرار می‌دهد که با قرار گرفتن در آن موقعیت‌ها می‌تواند نه تنها به پول بلکه به قدرت نیز دست یابد و از نمادهایی هم برای مشروعیت بخشی به موقعیت خود استفاده کند. البته موانعی نیز در تبدیل انواع سرمایه به یکدیگر وجود دارد. کسانی که سرمایه‌ی اقتصادی دارند و آن را تازه به دست آورده‌اند، ممکن است هر چقدر کوشش کنند نتوانند سرمایه‌ی فرهنگی را که شامل داشتن سلیقه‌ی خوب، یا سخن گفتن به طریق خاص، یا دانستن چند زبان خارجی است بیاموزند (وبلن، ۱۹۸۵، به نقل از: ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

بوردیو سرمایه‌ی اقتصادی را پایه می‌داند و سرمایه‌ی اجتماعی و حتی سرمایه‌ی فرهنگی را ابزاری برای تحقق آن می‌پندارد. اگر سرمایه اجتماعی نتواند باعث رشد سرمایه اقتصادی گردد کاربردی نخواهد داشت. تحلیل بوردیو از سرمایه اجتماعی یک رویکرد چپ‌گرایانه است. به اعتقاد او این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت گیرد (ریتزر، ۱۳۸۷: ۷۲۴). بوردیو معتقد است که در اختیار داشتن سرمایه‌ی اجتماعی، همانند سرمایه‌ی فرهنگی سبب نابرابری اجتماعی می‌شود. وی معتقد است فرد می‌تواند

صاحب سرمایه‌ی اجتماعی باشد و آن را از آن خود کند. بورديو بیشتر به این نکته علاقه‌مند بود که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی مختلف سبب افزایش سرمایه‌ی اقتصادی می‌شود (محمدی، ۱۳۸۴: ۴۷).

آگاهی افراد، نحوه عملکرد، الگوهای رفتاری، سبک زندگی، نوع پوشاک، طریقه مصرف، رابطه بین فرزند- والد، همگی به گفته بورديو منشا طبقاتی- اجتماعی دارد، چنین تمایزاتی از نظر بورديو تحت تأثیر جایگاه فرد در میدان اجتماعی و میزان در دسترس بودن انواع سرمایه شکل می‌گیرد.

یکی از حوزه‌های مطالعه در باب سرمایه، بررسی فقدان حضور آن به مثابه عامل تأثیرگذار بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی و فعالیت‌های خشونت آمیز در اجتماع است. یکی از مسائل اجتماعی که مبتلا به همه جوامع و مخصوصاً جوامع امروزی است مسأله خشونت و آزار و اذیت است که می‌تواند بازتابی از کمبود سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی باشد. بر این اساس در پژوهش حاضر انواع مختلف سرمایه به‌عنوان مدلی برای سنجش آگاهی و نحوه‌ی عملکرد والدین نسبت به انواع مختلف کودک آزاری به کار گرفته شده است. فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشند:

- انواع سرمایه در دسترس والدین (فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) پیش‌بین مناسب آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) است.
- انواع سرمایه در دسترس والدین (فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) پیش‌بین مناسب نحوه‌ی عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) است.

۳- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی است و با استفاده از روش میدانی (پیمایش) و با تهیه و تکمیل پرسشنامه‌ای محقق ساخته اطلاعات لازم گردآوری گردید. مقوله‌های پرسشنامه بر اساس نظریه سرمایه بورديو در سه نوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و مصادیق مختلف کودک آزاری (جسمی، جنسی، عاطفی) تدوین گردید. همچنین در این پرسشنامه اطلاعات مربوط به سن پاسخگویان، نوع شغل والدین، سطح تحصیلات آنها، تعداد فرزندان و جنس فرزندان در نظر گرفته شد.

جامعه آماری پژوهش نیز تمامی والدین دارای فرزند ۱۸-۰ ساله شهر رشت می‌باشند که بر این اساس نمونه‌ای به حجم ۴۰۰ نفر از والدین به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب

شدند و مورد پرسش قرار گرفتند که پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش تعداد ۳۰۱ پرسشنامه قابل استناد بودند.

معیار ورود به مطالعه متأهل بودن و داشتن فرزند زیر ۱۸ سال بود. محیط نمونه‌گیری: مدارس، مهدهای کودک، باشگاه‌های ورزشی، پارک‌ها، آرایشگاه‌ها و... بود. همچنین مدت زمان اجرای پرسشنامه یک ماه بود. پنهان بودن هویت افراد در پرسشنامه نسبت به روش‌هایی مثل مصاحبه موجب بالا رفتن صحت و سقم اطلاعات به‌دست آمده می‌شود. برای رعایت این نکته اخلاقی در پرسشنامه پنهان ماندن مشخصات افراد نیز رعایت شد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق ساخته بود که برای دستیابی به اعتبار سوالات پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید جامعه‌شناسی و اقدام به رفع اشکالات آن طی چند مرحله از اعتبار صوری بهره گرفته شد. برای تعیین میزان پایایی شاخص‌ها یک مطالعه‌ی مقدماتی صورت گرفت. در این مطالعه برای پایایی سنج‌ها از ۳۰ نفر از والدین به‌عنوان پیش‌آزمون، نمونه‌گیری به‌عمل آمد. برای به‌دست آوردن پایایی مقوله‌های مختلف سرمایه اجتماعی و کودک‌آزاری در پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که تمامی ضرایب در سطح مطلوب گزارش شد. پرسشنامه مورد نظر بر سه محور استوار است. در بخش ابتدایی اطلاعات جمعیت شناختی شامل: سن پاسخگو و همسرش، تحصیلات پاسخگو و همسرش، شغل پاسخگو و همسرش، تعداد فرزندان و جنس آنها، درآمد و هزینه‌ی ماهیانه‌ی خانواده، وضعیت مسکن و محل سکونت مورد پرسش قرار گرفتند. سپس سوالات مربوط به سرمایه در دو بخش سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی پرسیده شدند. تعاریف مفهومی و عملیاتی مقیاس‌ها نیز به این شرح است.

۳-۱- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی و یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ی ای‌بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر، عضویت در یک گروه است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۳). در تحقیق حاضر نیز بعد سرمایه اجتماعی مفهومی مرکب از درگیری اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت عمومی است که در پژوهش اسالم نژاد (۱۳۸۸) و کلانتری (۱۳۹۲) نیز مورد استفاده قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور به‌صورت کلی ۰/۸۰ گزارش شده است.

درگیری اجتماعی: بعد درگیری اجتماعی اشاره به میزان ارتباط فرد با اعضای خانواده در طول روز دارد (کلانتری، ۱۳۹۲: ۴۷)، از پاسخگویان سوال شد به‌طور متوسط در روز چند

ساعت با اعضای خانواده (والدین، همسر، فرزندان و سایر اعضای خانواده) به گفتگو و معاشرت می‌پردازند. دامنه پاسخگویی به گویه‌ها ۱ (کمتر از ۱ ساعت) تا ۴ (بالاتر از ۴ ساعت) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۸۳ گزارش شد.

مقیاس اعتماد عمومی: به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و گروه‌های مذهبی و ملی است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۴). از پاسخگویان سوال شد میزان اعتماد خود به اطرافیان (اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایگان، دوستان نزدیک، افراد هم قوم و هم‌مذهب، سایر گروه‌های قومی و مذهبی کشور) را بیان کنند. دامنه پاسخگویی به گویه‌ها ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۷۹ گزارش شد.

مقیاس مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی به حضور و درگیری فعال در روابط اجتماعی اشاره دارد (کلانتری، ۱۳۹۲). از پاسخگویان خواسته شد میزان مشارکت اجتماعی خود را در فعالیت‌های اجتماعی (رفت و آمد با همسایگان و دوستان، همکاری با نهادهای مذهبی و غیرمذهبی محله، مشارکت در اعیاد و عزاداری‌ها و همکاری با گروه‌های خیریه) بیان کنند. دامنه پاسخگویی به گویه‌ها ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۸۶ گزارش شد.

مقیاس سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی ترکیبی از تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی، میزان مصرف کالاهای فرهنگی بور عینی و مدارک و مدارج تحصیلی، علمی - فرهنگی می‌شود (شارع پور و خوش فر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). که در سه مقوله سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده جای می‌گیرد (تمنا و صمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۱۱).

سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این سرمایه به شکل خصائل دیرپای فکری و جسمی قابل مشاهده است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۳)؛ فعالیت‌ها و مصرف فرهنگی که بخشی از توانایی فرد بوده و به ذهن، برداشته‌ها، توانایی‌ها و فهم آثار فرهنگی بستگی دارد (تمنا و صمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). در این تحقیق منظور از سرمایه فرهنگی تجسم یافته، تمایلات یا گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است (بعد ذهنی) و با سوالاتی راجع به میزان زمان مطالعه در هفته (۱: زیر سه ساعت تا ۳ بالای ۵ ساعت در هفته)؛ نحوه دسترسی به اطلاعات (ملاک ارزش‌گذاری برای رسانه‌های مورد استفاده، و نحوه کسب اطلاعات نیز سهل الوصول بودن و نیاز به تخصص است. به این معنی که رادیو و تلویزیون به دلیل سهل الوصول بودن و عدم نیاز به تخصص پایین نمره ۱ را به خود اختصاص دادند، روزنامه به دلیل نیاز به گزینش و کمتر

سهل الوصول بودن نمره ۲ و ماهواره و اینترنت به علت نیاز به تخصص بالا و هزینه بردار بودن نمره ۳ را به خود اختصاص می‌دهد؛ نحوه تماشای فیلم (۱: تلویزیون، ۲: ویدئو، ۳: سینما) مورد سنجش قرار گرفته است. ضریب آلفای کرونباخ بعد مذکور ۰/۸۱ گزارش شده است.

سرمایه فرهنگی عینیت یافته: منظور نوعی از سرمایه فرهنگی است که به شکل اشیای مادی و رسانه‌ای چون نوشته‌ها، نقاشی‌ها، بناهای تاریخی، ابزارها و غیره عینیت پیدا کرده و در حالت مادیت قابل انتقال است (کلانتری، ۱۳۹۲: ۴۹). در این تحقیق این بعد از سرمایه فرهنگی بر اساس میزان کتاب‌های غیردرسی (۱: زیر ۱۰ جلد تا ۵: بالای ۵۰ جلد)، بازدید از مکان‌های تاریخی (مثل موزه و بناهای قدیمی شهر)، فرهنگی (مثل نمایشگاه‌های هنری) (۱: خیلی کم تا ۵: خیلی زیاد) و استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری و اینترنت (۱: خیلی کم تا ۵: خیلی زیاد) سنجیده شده است. ضریب آلفای کرونباخ بعد مذکور ۰/۸۹ گزارش گردیده است.

سرمایه فرهنگی نهادی شده: شکلی از سرمایه فرهنگی در قالب مدارک و مدارج آموزشی بروز می‌کند (کلانتری، ۱۳۹۲: ۴۹). در این پژوهش سرمایه فرهنگی نهادی شده با مجموع مدارک دانشگاهی، ورزشی، هنری و زبان خارجی مورد سنجش قرار گرفته است.

سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی به مجموع دارایی‌هایی که بی‌واسطه قابلیت تبدیل به پول شدن را دارا هستند گفته می‌شود (کلانتری، ۱۳۹۲: ۵۰). در این پژوهش با کمک معرف-های میزان درآمد خانوار، قیمت منزل مسکونی، قیمت اتومبیل بدست آمده است.

مقیاس آگاهی فرد نسبت به کودک آزاری: آگاهی نسبت به کودک آزاری به دانش و اطلاعات فرد نسبت به کودک آزاری اطلاق می‌گردد. در این پژوهش آگاهی والدین نسبت به کودک آزاری با گویه‌هایی درباب میزان مطالعه کتب و مقالات، تماشای فیلم و مشورت گرفتن از اطرافیان در باب کودک آزاری سنجیده شده است. دامنه پاسخگویی به گویه‌ها ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۹۳ گزارش گردید.

مقیاس عملکرد فرد نسبت به کودک آزاری: به نحوه تعاملات فرد با کودک با توجه به احتمال و خطر قرار گرفتن فرزند در معرض کودک آزاری عملکرد فرد گفته می‌شود. در این پژوهش این بعد با سوالاتی راجع به نحوه معاشرت با فرزند، استفاده از تنبیه بدنی، نظارت بر الگوهای رفتاری فرزند در محیط خانه و بیرون، آگاهی بخشی به فرزند، میزان حمایت از فرزند سنجیده شده است. دامنه پاسخگویی به گویه‌ها ۱ (خیلی کم) تا ۵ (خیلی زیاد) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۸۹ گزارش گردید.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

یافته‌ها توصیفی پژوهش نشان داد که، ۶۶/۸ درصد از پاسخگویان زنان و ۳۳/۲ درصد مردان هستند. از نظر سن، مردان، ۱۵ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۹ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۱۵ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۲۸ درصد بالاتر از ۳۵ تا ۴۰ سال و ۳۳ درصد بالای ۴۰ سال بودند و در بین زنان، ۱۷/۹ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۱۵/۹ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۲۱/۹ درصد بالاتر از ۳۵ تا ۴۰ سال و ۳۶/۳ درصد نیز بالای ۴۰ سال بودند. سن همسر پاسخگو، مردان، ۱۲ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۵ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۱۹ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۲۲ درصد بالاتر از ۳۵ تا ۴۰ سال و ۳۲ درصد بالای ۴۰ سال بودند و در بین زنان، ۶ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۲/۴ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، ۱۶/۹ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال و ۱۸/۴ درصد بالاتر از ۳۵ تا ۴۰ سال و ۴۶/۳ درصد بالای ۴۰ سال بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۳۰/۹ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم بودند، ۲۴/۳ درصد فوق دیپلم، ۳۶/۵ درصد لیسانس و ۸/۳ درصد نیز از تحصیلات فوق لیسانس برخوردارند. ۲۷/۹ درصد از همسر پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم هستند، ۲۳/۳ درصد فوق دیپلم، ۳۸/۹ درصد لیسانس و ۱۰ درصد نیز از تحصیلات فوق لیسانس برخوردار بودند. همچنین ۴۲ درصد از پاسخگویان فرزند دختر نداشته، ۴۸/۵ درصد دارای یک فرزند دختر و ۹/۳ درصد نیز دو فرزند دختر داشتند. ۳۹/۹ درصد از پاسخگویان فرزند پسر نداشته، ۵۲/۸ درصد دارای یک فرزند پسر و ۶/۶ درصد دو فرزند پسر و ۰/۷ درصد نیز سه فرزند پسر بودند. همچنین ۷۱/۸ درصد دارای یک فرزند سالم و ۲۰/۶ درصد دو فرزند سالم و ۵/۳ درصد نیز سه فرزند سالم بودند. در نهایت اینکه ۹/۶ درصد از پاسخگویان بالای شهر سکونت داشته، ۳۷/۹ درصد در مرکز شهر و ۵۲/۵ درصد نیز در پایین شهر زندگی می‌کردند.

۴-۲- یافته‌های استنباطی

۴-۲-۱ ماتریس همبستگی بین انواع سرمایه در دسترس با آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری

جدول ۱: آزمون همبستگی بین آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری و انواع

سرمایه در دسترس والدین

| سرمایه اجتماعی | سرمایه اقتصادی | سرمایه فرهنگی | آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری | |
|----------------|----------------|---------------|--|--|
| | | | ۱/۰۰۰ | آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری |
| | | ۱/۰۰۰ | ۰/۶۳۹** | سرمایه فرهنگی |
| | ۱/۰۰۰ | ۰/۵۱۸** | ۰/۵۳۹** | سرمایه اقتصادی |
| ۱/۰۰۰ | ۰/۳۱۰** | ۰/۴۹۳** | ۰/۴۱۱** | سرمایه اجتماعی |

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، همبستگی معناداری بین انواع سرمایه در دسترس والدین و آگاهی نسبت به مصادیق کودک آزاری وجود دارد. به عبارتی دیگر بین سرمایه‌ی فرهنگی و آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/639^{**}$)، سرمایه‌ی اقتصادی و آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/539^{**}$) و سرمایه‌ی اجتماعی و آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/411^{**}$) وجود دارد. در نتیجه به ترتیب با بالا رفتن سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی والدین بر میزان آگاهی والدین از مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) افزوده شده و بالعکس با پایین آمدن میزان سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی والدین میزان آگاهی از مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) کاسته می‌شود.

جدول ۲: آزمون همبستگی بین عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری و انواع سرمایه

در دسترس والدین

| سرمایه اجتماعی | سرمایه اقتصادی | سرمایه فرهنگی | عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری | |
|----------------|----------------|---------------|---|---|
| | | | ۱/۰۰۰ | عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری |
| | | ۱/۰۰۰ | ۰/۴۴۳** | سرمایه فرهنگی |
| | ۱/۰۰۰ | ۰/۵۱۸** | ۰/۳۶۳** | سرمایه اقتصادی |
| ۱/۰۰۰ | ۰/۳۱۰** | ۰/۴۹۳** | ۰/۳۷۸** | سرمایه اجتماعی |

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، همبستگی معناداری بین انواع سرمایه در دسترس والدین و عملکرد آنها نسبت به مصادیق کودک آزاری وجود دارد. به عبارتی دیگر بین

سرمایه‌ی فرهنگی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/433^{**}$)، سرمایه‌ی اقتصادی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/363^{**}$) و سرمایه‌ی اجتماعی و عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (ضریب همبستگی: $0/378^{**}$) وجود دارد. در نتیجه به ترتیب با بالا رفتن سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی والدین، آن‌ها عملکرد مناسب‌تری نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) نشان می‌دهند و بالعکس با پایین آمدن میزان سرمایه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی والدین از کیفیت عملکرد آنها نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) کاسته می‌شود.

۲-۲-۴ مدل رگرسیون تاثیر انواع سرمایه در دسترس والدین بر آگاهی و عملکرد نسبت به مصادیق کودک آزاری

بر طبق جدول ۳ مدل رگرسیون همزمان نشان می‌دهد که، ضریب همبستگی آزمون رگرسیون $0/690$ ، ضریب تعیین مدل $0/475$ گزارش گردیده است. به عبارت دیگر، آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که انواع سرمایه در دسترس والدین توانسته‌اند، $0/475$ درصد از تغییرات آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) پاسخگویان را پیش بینی نماید. سطح معنی‌داری آماره F کمتر از $0/05$ می‌باشد، و این بدان معنی است که تغییر نشان داده شده به وسیله مدل بر اثر اتفاق نیست. ضرایب بتا گزارش شده به ازای انواع سرمایه نشان می‌دهد که بهترین پیش بین آگاهی والدین نسبت به مقادیر کودک آزاری به ترتیب، سرمایه فرهنگی ($0/443$) سرمایه اقتصادی ($0/276$) و سرمایه اجتماعی ($0/107$) می‌باشند.

بر طبق جدول ۴ مدل رگرسیون همزمان نشان می‌دهد که، ضریب همبستگی آزمون رگرسیون $0/500$ ، ضریب تعیین مدل $0/250$ گزارش شده است. به عبارت دیگر، آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که انواع سرمایه در دسترس والدین توانسته‌اند، $0/250$ درصد از تغییرات عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی و عاطفی) پاسخگویان را پیش‌بینی نماید. سطح معنی‌داری آماره F کمتر از $0/05$ می‌باشد، و این بدان معنی است که تغییر نشان داده شده بوسیله مدل بر اثر اتفاق نیست. در جدول ۴، ضرایب بتا گزارش شده به ازای انواع سرمایه نشان می‌دهد که بهترین پیش بین عملکرد والدین نسبت به مقادیر کودک آزاری به ترتیب، سرمایه فرهنگی ($0/258$)، سرمایه اجتماعی ($0/199$) و سرمایه اقتصادی ($0/167$) می‌باشند.

جدول ۳: آزمون رگرسیون تأثیرگذاری انواع سرمایه در دسترس والدین بر آگاهی والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد | درجه آزادی | مجموع مربعات | ضریب F | سطح معناداری | ضریب دوربین واتسون |
|-------------------|---------------------|------------|----------------------|------------|--------------|--------------|--------------|--------------------|
| همزمان | ۰/۶۹۰ | ۰/۴۷۵ | ۰/۴۷۰ | ۳ | ۱۵۲۶/۰۵ | ۸۹/۷۲۱ | ۰/۰۰۱ | ۱/۸۵۸ |
| مدل | ضرایب غیر استاندارد | | ضرایب استاندارد | ضریب T | سطح معناداری | ضرایب هم خطی | | ضریب دوربین واتسون |
| | ضریب B | برآورد خطا | | | | ضریب تحمل | اریانس تورم | |
| مقدار عرض از مبدا | ۱۸/۲۵۳ | ۲/۶۵۳ | | ۶/۸۸۱ | ۰/۰۰۱ | | | |
| سرمایه فرهنگی | ۰/۵۶۷ | ۰/۰۶۹ | ۰/۴۴۳ | ۸/۲۲۸ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۱۰ | ۱/۶۴۰ | |
| سرمایه اقتصادی | ۰/۴۹۳ | ۰/۰۸۸ | ۰/۲۷۶ | ۵/۶۰۳ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۲۸ | ۴/۳۷۴ | |
| سرمایه اجتماعی | ۰/۱۵۴ | ۰/۰۷۰ | ۰/۱۰۷ | ۲/۲۱۴ | ۰/۰۲۸ | ۰/۷۵۴ | ۱/۳۲۷ | |

جدول ۴: آزمون رگرسیون تأثیرگذاری انواع سرمایه در دسترس والدین بر عملکرد والدین نسبت به مصادیق کودک آزاری

| مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین استاندارد | درجه آزادی | مجموع مربعات | ضریب F | سطح معناداری | ضریب دوربین واتسون |
|-------------------|---------------------|------------|----------------------|------------|--------------|--------------|--------------|--------------------|
| همزمان | ۰/۵۰۰ | ۰/۲۵۰ | ۰/۲۴۳ | ۳ | ۹۲۸/۷۵۸ | ۳۳/۰۳۱ | ۰/۰۰۱ | ۱/۵۳۱ |
| مدل | ضرایب غیر استاندارد | | ضرایب استاندارد | ضریب T | سطح معناداری | ضرایب هم خطی | | ضریب دوربین واتسون |
| | ضریب B | برآورد خطا | | | | ضریب تحمل | اریانس تورم | |
| مقدار عرض از مبدا | ۴/۹۲۲ | ۳/۴۱۱ | | ۱/۴۴۳ | ۰/۱۵۰ | | | |
| سرمایه فرهنگی | ۰/۳۵۶ | ۰/۰۸۹ | ۰/۲۵۸ | ۴/۰۱۴ | ۰/۰۰۱ | ۰/۶۱۰ | ۱/۶۴۰ | |
| سرمایه اقتصادی | ۰/۳۲۱ | ۰/۱۱۳ | ۰/۱۶۷ | ۲/۸۴۳ | ۰/۰۰۵ | ۰/۷۲۸ | ۱/۳۷۴ | |
| سرمایه اجتماعی | ۰/۳۰۷ | ۰/۰۹۰ | ۰/۱۹۹ | ۳/۴۳۲ | ۰/۰۰۱ | ۰/۷۵۴ | ۱/۳۲۷ | |

۵- بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیر سرمایه فرهنگی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار و مهم‌ترین عامل پیش‌بین بر آگاهی و عملکرد والدین نسبت به مسئله‌ی کودک آزاری است. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش علینقیان از حیث تأثیر وضعیت فرهنگی بر کودک آزاری جسمانی فرزندان همسو است. یکی از ابعاد مهم تمایزات اجتماعی آن‌گونه که بورديو مدعی است، سرمایه فرهنگی اشخاص است. از منظر بورديو سرمایه فرهنگی به سه شکل سرمایه عینی، سرمایه نهادینه شده و سرمایه تجسم یافته تقسیم گردیده که در بستر میدان نمود می‌یابد و نوعاً بوسیله صلاحیت‌های اجتماعی مشخص می‌گردد، به‌عبارت دیگر بورديو سرمایه را

تلاشی برای دربند کردن گذشته در آینده می‌داند، سرمایه فرهنگی دربردارنده‌ی نشانه‌های فرهنگی نهادینه شده از قبیل نگرش‌ها، ترجیحات، دانش رسمی، رفتارها، اهداف و اعتبارات ارزشمند که برای ایجاد انحصار اجتماعی و فرهنگی است (ابراهیمی، بهنوئی گدنه، ۱۳۸۹). در این ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی رفتار و کردارهای افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، شکل روابط فرد با اعضای خانواده، دوستان و جامعه تحت تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی در دسترس وی قرار می‌گیرد. کودک آزاری و متعاقب آن آگاهی از مصادیق کودک آزاری یکی از پدیده‌هایی است که می‌توان آنرا با میزان در اختیار داشتن سرمایه‌ی فرهنگی تبیین نمود. همان‌طور که پاتنام^۱ (۲۰۰۳) متذکر شده است، والدینی که از سرمایه‌ی فرهنگی بالایی برخوردارند، نوع نگرش و عملکرد و جهت‌گیری آنها نسبت به تربیت فرزندان در مقایسه با والدینی که از سرمایه‌ی فرهنگی پایینی برخوردارند متفاوت است و به‌طور کلی فرآیند جامعه‌پذیری کودکان با سرمایه‌ی فرهنگی والدین آنها مرتبط است.

نگرش والدین نسبت به تنبیه بدنی، تابع ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی است. در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه گفت که آن دسته از والدینی که از سرمایه‌ی فرهنگی پایین برخوردارند، آگاهی کمتر و عملکرد نامناسب نیز نسبت به مصادیق کودک آزاری دارند. به‌عنوان مثال در زمینه کودک آزاری عاطفی، والدین این گروه عدم توجه به فرزند، تخریب شخصیت، کم محلی کردن به فرزند را پاسخی منطقی و درست به رفتار کودک خود در نظر گرفته و آنرا بدیهی فرض می‌نمایند، چنین نگرشی همان‌طور که بورديو نیز متذکر می‌شود، تحت تأثیر میدان و میزان سرمایه‌ی فرهنگی در دسترس والدین قرار دارد که به‌طور مستقیم از طریق تحصیلات و سلائق فرهنگی نمود می‌باید و هم به‌طور غیرمستقیم به‌واسطه فرآیند جامعه‌پذیری والدین در گذشته و آن‌طور که والدین در بستر خانواده و تجربه زیسته خود یاد گرفته‌اند نمود می‌یابد. در طرف مقابل آن دسته از والدینی که از سرمایه‌ی فرهنگی بالاتر برخوردار هستند، به روش‌های منطقی‌تر و عاطفی‌تر با فرزندان اعتقاد دارند و آنرا سرلوحه ارتباط خود با فرزندان قرار می‌دهند در چنین خانواده‌هایی والدین با سرمایه‌ی فرهنگی بالا، مصادیق کودک آزاری را بهتر شناخته، کمتر به روش‌های تخریبی (خرد کردن فرزندان، کم محلی و غیره) روی می‌آورند.

در رابطه با سرمایه‌ی اجتماعی در اختیار پاسخ‌گویان و آگاهی و عملکرد نسبت به مصادیق کودک آزاری همان‌طور که ملاحظه شد، با بالا رفتن سرمایه‌ی اجتماعی افراد بر میزان آگاهی آنها از مصادیق کودک آزاری (جسمی، جنسی، عاطفی) افزوده می‌شود و عملکرد مناسب‌تری

خواهند داشت، به عبارتی دیگر با افزایش دامنه ارتباطات اجتماعی و میزان اعتماد عمومی در بین افراد بر میزان آگاهی از مصادیق کودک آزاری افزوده می‌شود و عملکرد والدین نیز مطلوب‌تر می‌گردد. لازم به ذکر است که نتیجه‌ی حاصل از این مدعا با نتایج تحقیقات (نورمی و همکاران، ۲۰۱۲؛ گیلس، ۱۹۹؛ وپیل^۱ و وبستر^۲ ۱۹۹۱؛ زوراوین^۳ و گریف^۴، ۱۹۸۹؛ کریستاریا^۵ و نیل^۶، ۲۰۰۸). هم سو است. همچنین با نتایج پژوهش‌های اوکک و گابریلو از نظر تأثیر میزان مشارک و تعاملات اجتماعی در کودک آزاری، از نظر اهمیت سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با کیفیت روابط والدین- فرزندان، با نتایج پژوهش‌های راییت و فیتزپاتریک همسو است. همان‌طور که می‌دانید، در نظریه بورديو جایگاهی که برای سرمایه‌ی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود بر گستره پیوندها و یا شبکه‌های اجتماعی متمرکز است. به عبارت دیگر، سرمایه‌ی اجتماعی انبوه منابع بالقوه و بالفعلی است که با مالکیت یک شبکه بادوام گره می‌خورد. بر این اساس حجم سرمایه‌ی اجتماعی تحت تصرف یک کارگزار به اندازه شبکه پیوندهایی که او می‌تواند به نحو مؤثر بسیج کند و به حجم سرمایه‌ی بستگی دارد که تحت تصرف یک کارگزار است، یا حتی سرمایه‌ی که تحت مالکیت کل مجموعه کارگزارانی است که با کنشگر اجتماعی پیوند دارند (بن فاین، ۱۳۸۵: ۱۱۲). بر این اساس همان‌طور که می‌دانید سرمایه‌ی اجتماعی بالا در جامعه موجب آسایش و آرامش افراد، ایجاد امنیت در جامعه، افزایش مشارکت سیاسی و اعتماد عمومی را به دنبال دارد و متعاقب آن نبود سرمایه‌ی اجتماعی به افزایش انحرافات اجتماعی و فروپاشی خانواده و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در بین اعضای خانواده می‌انجامد. کودک آزاری یکی از مواردی است که در صورت عدم وجود سرمایه‌ی اجتماعی مناسب نمود آن در خانواده‌ها به چشم خواهد خورد. لازم به ذکر است زمانی که می‌خواهیم به ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و آگاهی و نحوه‌ی عملکرد والدین از مصادیق کودک آزاری بپردازیم می‌بایست کیفیت روابط اجتماعی را نیز به‌عنوان معیاری مهم در نظر گرفت. این پژوهش نشان داده است که با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی میزان آگاهی از مصادیق کودک آزاری نیز بالا می‌رود و والدین عملکرد مناسبی از خود بروز می‌دهند، در همین راستا می‌بایست ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اقتصادی را متقابل در

1- Whipple

2- Webster

3- Zuravin

4- Greif

5- Christauria

6- Neil

نظر گرفت، به‌عنوان مثال افزایش دامنه ارتباطات اجتماعی (بالا رفتن سرمایه‌ی اجتماعی) تنها در صورتی منجر به افزایش آگاهی و عملکرد مناسب نسبت به مصادیق کودک آزاری خواهد شد که ارتباطات افراد در بستری درست و با افرادی از نظر فرهنگی و اخلاقی معتمد و متدین شکل بگیرد. بنابراین با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی افراد با گروه‌های اجتماعی مختلف، افزایش میزان سپری کردن وقت با خانواده، دوستان به همان اندازه آگاهی والدین نسبت به مشکلات زندگی روزمره (مصادیق کودک آزاری) نیز افزوده خواهد گردید و این آگاهی با نگاهی چند جانبه به سرمایه‌های در دسترس والدین در خانواده‌هایی با سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی بالا بیشتر از خانواده‌هایی با سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی پایین‌تر است.

نتایج این پژوهش نیز نشان داد که میزان برخورداری فرد از سرمایه‌ی اجتماعی مناسب هم‌چون مشارکت عمومی به‌عنوان عاملی مهم در بروز آگاهی از کودک آزاری عمل می‌نماید، به عبارت دیگر، بهره‌مندی کنشگران اجتماعی از میزان سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر این امکان را برایشان فراهم می‌آورد تا از طریق برقراری روابط اجتماعی بیشتر، نشست و برخاست با گروه‌های اجتماعی مختلف، تقلید و الگوبرداری از رفتارهای پسندیده و هنجارمند گروه‌ها و افراد مذکور از تمایل ارتکاب به رفتارهای خشونت آمیز در قبال کودکان‌شان خودداری نمایند و سرمایه‌ی اجتماعی بالاتر در آن در حکم عملکردی مناسب و عاملی بازدارنده در ارتکاب به چنین خشونت‌هایی علیه کودکان‌شان است.

در آخر، این پژوهش به این نتیجه رسید که سرمایه‌ی اقتصادی در دسترس والدین نیز پیش‌بین مناسبی برای سنجش میزان آگاهی و نحوه‌ی عملکرد آنها نسبت به مصادیق کودک آزاری می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات علی‌وردی نیا، علینقیان، چلبی، مارتینز، بلسکی و وندرا و گابریانو از حیث تأثیر موقعیت اقتصادی در کودک آزاری و از نظر تأثیر متغیر کیفیت زندگی در کودک آزاری با پژوهش محمدخانی در یک راستا قرار دارد. در ارتباط با مفهوم سرمایه‌ی اقتصادی در این پژوهش می‌بایست چنین ابزاری را با سرمایه‌ی فرهنگی در نظر گرفت، همان‌طور که بوردیو نیز متذکر می‌شود، سرمایه‌ی اقتصادی تنها در صورتی قابلیت اثرگذاری دارد، که با سرمایه‌ی فرهنگی در دسترس افراد ترکیب گردد. به‌عبارت دیگر، صرف توانایی تمکن مالی فرد در این پژوهش دلیل چندان توجیه‌کننده‌ای برای شناسایی تفاوت در میزان آگاهی از مصادیق کودک آزاری نخواهد بود هر چند که یکی از مهم‌ترین فاکتورهای دخیل بر میزان کودک آزاری فاکتور اقتصادی است (علی‌وردی نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). می‌توان نتایج پژوهش حاضر را این‌گونه تبیین نمود که، مشکلات اقتصادی، نداشتن شغل مناسب، تنش‌های روحی و روانی منشعب از رفتاری‌های مالی در محیط خانواده والدین را به عدم

آمادگی روانی و تمایل به ارتکاب به رفتارهای خشونت آمیز سوق می‌دهد، به این معنی که عدم توانایی والدین در مواجهه منطقی و درست با فشارهای زندگی باعث شکل‌گیری انواع خشونت علیه کودکان می‌شود.

همان‌طور که در این پژوهش نیز نشان داده شد، عمده کودکانی که قربانی کودک‌آزاری می‌شوند، تحت فشارهای مالی هستند. در حقیقت فقر خانوادگی (پایین بودن میزان سرمایه‌ی اقتصادی خانواده) سبب می‌شود تا کودکان از دسترسی به نیازهای اساسی خود؛ مانند آموزش، بهداشت، تغذیه، و... محروم شوند یا والدین به دلیل فشارهای مالی با رفتارهایی؛ چون پرخاشگری، خشونت، بی‌توجهی و... کودکان را مورد آزار قرار دهند. فشار مالی سبب می‌شود تا والدین سعی کنند محدودیت‌های بیشتری برای فرزندان خود قرار دهند. این امر سبب اعتراض کودک و پرخاشگری‌های او می‌شود، که کشمکش میان‌شان، گاه منتهی به کودک‌آزاری می‌شود (طارمی، ۱۳۸۸).

بی‌شک شناخت و بررسی ریشه‌های مشکل در خانواده و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کاهش خشونت علیه کودکان می‌تواند جامعه را در ارتقای سطح سلامت رهنمون سازد. با توجه به پژوهش‌های اندکی و ناکافی که در این زمینه صورت گرفته است امید می‌رود که پژوهش حاضر فتح‌بابی باشد در جهت بررسی این معضل اجتماعی.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی‌گدنه، عباس (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه‌ی فرهنگی و هویت‌های اجتماعی فردی و جمعی در بین جوانان (مطالعه‌ی موردی شهر بابلسر). فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان. ۳(۱)، ۳۲-۹.
- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا و جانعلی زاده، حیدر (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان. جامعه‌شناسی کاربردی، پیاپی ۴۹، ۲۴(۱)، ۸۸-۶۷.
- بهبودی، هایده. (۱۳۸۵). کودک‌آزاری. تعلیم و تربیت/استثنائی، ۶۰، ۶-۳.
- بر گرفته از: <https://www.jamaran.ir/>
- بر گرفته از: <http://diyarmirza.ir/>
- ترکاشوند، فاطمه؛ جعفری، فاطمه؛ رضائیان، محسن و شیخ فتح الهی، محمود (۱۳۹۲). بررسی شیوع کودک‌آزاری و برخی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در

- دانش آموزان مقطع سوم راهنمایی شهر زنجان در سال ۱۳۹۰. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۲(۱)، ۴۶۰-۴۴۷.
- تمنا، سعید و صمدی، سمیه (۱۳۹۵). رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی. *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی*، ۲۲(۱)، ۹۹-۱۲۶.
 - چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم - تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشرنی.
 - حبیبی، سمیرا و گوهری مقدم، مریم (۱۳۹۶). پیشگیری از کودک آزاری و درمان آن. *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳(۲)، ۹۵-۱۰۵.
 - ریتزر، جرج (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر: ترجمه محسن ثلاثی (چاپ سیزدهم)*. تهران: نشر علمی.
 - شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان مطالعه موردی شهر تهران. *نامه علوم اجتماعی*، پیاپی ۲۰، ۱۴۷-۱۳۳.
 - طارمی، محمد حسین (۱۳۸۸). علت‌شناسی پدیده کودک آزادی. *مجله پگاه حوزه*، ۲۵۲، ۳۰-۲۶.
 - عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم؛ محمدباقر و اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱(۱)، ۱۷۲-۱۴۵.
 - علینقیان، مژگان (۱۳۸۰). *کودک آزاری جسمانی (پایان نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، دانشکده‌ی مدیریت و علوم اجتماعی.
 - علیوردی نیا، اکبر؛ حسنی؛ محمدرضا و ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۹۱). عوامل خانوادگی کودک آزاری. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۷۱-۱۱۰.
 - غلامی کوتنایی، کوروش و قربان نژاد شهرودی، یدالله (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر اعتیاد جوانان (شهر قائم شهر). *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۲(۴)، ۱۱۵-۱۳۹.
 - کلانتری، حوریه (۱۳۹۲). *بررسی مقایسه‌ای خشونت و انواع آن در بین افراد دانشگاهی و غیر دانشگاهی در شهر رشت (پایان نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال).

- کنعانی، محمد امین؛ عزیزخانی، اقباله و کلانتری، حوریه (۱۳۹۳). انواع سرمایه (سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن با خشونت خانگی علیه زنان. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۳۹، ۱۰۴-۸۹.
- محمدی، محمد علی (۱۳۸۴). *سرمایه‌ی اجتماعی و سنجش آن*. تهران: نشر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مدنی، سعید (۱۳۸۳). *کودک آزاری در ایران*. تهران: نشر اکنون.
- ملکشاهی، فریده و فرهادی، علی (۱۳۹۰). شیوع کودک آزاری در دانش آموزان مقطع راهنمایی خرم آباد در سال ۱۳۹۰. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان*، ۱۵ (۵)، ۳۸-۳۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۴۱ و ۴۲، ۱۶۰-۱۴۹.
- یوسفوند، حسن رضا (۱۳۸۲). *بررسی مسائل اجتماعی کودک آزاری در ایران* (پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان).
- Bartholomew, N. G., Rowan-Sza, G. A., Cohen, J. A., & Chatham, L. R. (2000). Characteristics of women with sexual abuse histories who enter methadone treatment. In *62nd Scientific Meeting of the College on Problems of Drug Dependence (CPDD)*. San Juan, Puerto Rico: Institute of Behavioral Research, Texas Christian University.
- Belsky, J. & Vondra, J. (1989). Lessons from child abuse. The determinants of parenting. In D. Cicchetti & V. Carison (Eds.), *Current research and theoretical advances in child maltreatment*, Cambridge, England: Cambridge University Press, 153-202.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. New York: Green wood.
- Chan, Y.C., Gladys, L. T., Lam, P.K.R., & Moon, T. E. S. (2006). Confirmatory factor analysis of the child abuse potential inventory: results based on a sample of Chinese mothers in Hong Kong. *Child Abuse & Neglect*, 30(9), 1005-1016.
- Choi, J. B. (2003). *Perceptions of child neglect: An exploratory study of Korean parents* (M.A Thesis, West Virginia University).
- Christauria, W. & Neil, Rm. (2008). *Healing from violence*. New York: NY Springer Publishing.
- Jellen, L. K. (2001). Child emotional maltreatment: a 2 year study of US army cases, *Child abuse & Neglect*, 35, 179-187.

- Mariatul, Q. Z. (2012 March 5). *Child policy for all*. Retrieved from <http://www.utusan.com>
- Romero-Martínez, A., Figueiredo, B., & Moya-Albiol, L. (2014). Childhood history of abuse and child abuse potential: The role of parent's gender and timing of childhood abuse. *Child abuse & neglect*, 38(3), 510-516.
- Noremy, M. A., Zulkarnain, A. H., Kelvin, F., Adanan, M. J., & Sarah, W. M. H. (2012). Physical child abuse: What are the external factors?. *Asian Social Science*, 8(9), 83-91-91.
- Putnam, F. W. (2003). Ten-year research update review: Child sexual abuse. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 42(3), 269-278.
- Spatz, C., Czaja, S. & Ann Dutton, M. (2014). Child abuse and neglect and intimate partner violence victimization and perpetration: A prospective, *Child Abuse & Neglect*, 38(4)(4), 650-663.
- Stacey, R & Burkhardt, M. (2005). *Identifying stress factors for success in early child abuse, neglect prevention programs in a rural setting*. Capella University.
- Whipple, E. E., & Webster-Stratton, C. (1991). The role of parental stress in physically abusive families. *Child abuse & neglect*, 15(3), 279-291.
- Wright, D. R & Fitzpatrick, K. M. (2006). Social capital and adolescent violent behavior. *Social Forces*, 84, 1435-1453.
- Zahir, Z. (2010). *National of child policy*. Retrieved from <http://zahirzainudin.blogspot.com/2010/03/dasar-kanak-kanak-negara.html>.
- Zuravin, S. J & Greif, G. (1989). Normative and child-maltreating AFDC mothers. *Social Casework The Journal of Contemporary Social Work*, 70(2), 76-84.